

اتباع خارجه

قانون اول آوریل ۱۸۹۸ اصلاح شده در ۱۵ اوت ۱۹۲۳ می گوید: خارجی ها از حق تعهد در فرانسه می توانند استفاده کنند مشروط بر اینکه این حق برای اتباع فرانسه نیز در عهد بین کشور متبوع شخص خارجی و کشور فرانسه قید شده باشد و گاهی نیز بدون اینکه از عهد صحبتی شود مجرد معامله متقابل در کشور متبوع خارجی برای استفاده او از حقوق مدنی در فرانسه مأخذ و ملاک قرار یافته: مثلاً بموجب ماده ۲ از قانون ۱۹ آوریل ۱۸۹۸ که میگوید: اتباع خارجه (تابعیت آنها هر چه باشد) که بکشور فرانسه وارد می شوند و شغل خود را در آن سازی معرفی می نمایند نمیتوانند در این کشور بشفغ نام برده اشتغال ورزند مگر اینکه در فرانسه مطابق مقررات امتحان دوا سازی بدهند و از طرف اولیای امور دوا سازی دولتی دیپلم اخذ نمایند و در صورتیکه اتباع خارجه موفق باخذ چنین دیپلم شوند باز نمی توانند در این کشور بدوا سازی اشتغال نمایند مگر در صورت معامله متقابل یعنی در صورتیکه دوا ساز فرانسوی که ساکن کشور متبوع خارجی مقیم فرانسه می باشد و از مقامات صلاحیت دار آنجا هم دیپلم دوا سازی دارد حق اشتغال بدوا سازی در همان کشور داشته باشد.

نظر بقاعده عمومی دعوی جز در موارد خاص در دادگاهی که مدعی علیه در حوزه آن مقیم است اقامه میشود و دعوی راجع به ترکه میت نیز در دادگاه اقامتگاه متوفی اقامه میشود ولی برخلاف این قاعده هرگاه شخص خارجی که در خارج از کشور فرانسه مقیم میباشد و تمهیدی در حق بکنفر فرانسوی در فرانسه و یا در خارج از آن کرده باشد ممکن است بدادگاه فرانسه احضار شود و دعاوی مربوطه به ترکه میت نیز ممکن است برخلاف اصل مذکور در فرانسه اقامه شود.

بموجب شق ۵ از ماده ۱۵ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران هر خارجی که پس از اخراج شدن از ایران مجدداً بدون اجازه بخاک ایران مراجعت

هر خارجی که اجازه اقامت برای او در فرانسه داده نشده هرگاه به یکی از نقاط کشور نام برده وارد شود مکلف است که در ظرف هشت روز پس از ورود خود را بشهرداری محل معرفی و ملایت خود را نیز اعلام کند.

هریک از شهرداری ها دفتر مخصوص برای ثبت اسامی خارجی ها حوزه مأموریت خود دارند خلاصه از مندرجات دفتر تحت عنوان ورقه هویت بخارجی داده میشود.

اتباع خارجه در فرانسه بطوریکه در کشورهای دیگر نیز مقرر است - از حقوق سیاسی استفاده نمی کنند و بنا بر این از حق انتخاب نمودن و منتخب شدن بمجلس شورای ملی و استخدام دولتی محروم می باشند ولی هرگاه شخص خارجی در فرانسه اقامتگاه داشته باشد از تمام حقوق مدنی مگر آنچه که صریحاً استثناء شده باشد مر تواند استفاده کند و هرگاه به تعیین محل اقامت مجاز نباشد از بعض حقوق مدنی می تواند استفاده کند نه از تمام آن.

خارجی که اقامتگاه نداشته باشد در مورد اسناد رسمی حق شهادت ندارد و بنا بر این در مورد سند رسمی که نسبت بان ادعای جعل شده هرگاه صاحب سند برای اثبات اصالت آن بشهادت شهود استناد کند شهادت کسی که تعیین اقامتگاه ننموده در دادگاه مسموع نیست.

یک قسمت از امور مربوطه حقوق مدنی هست که صریحاً بری خارجی ها حق استفاده از آن داده شده مثلاً ماده ۱۳ قانون ۲۱ آوریل ۱۸۱۰ می گوید: هر فرانسوی یا هر خارجی میتواند منفرداً و یا بطور شرکت امتیازات معادن فرانسه را بخواهد.

قسمت دیگر از حقوق مدنی نیز هست که صریحاً حق استفاده از آن از خارجی ها سلب شده ماده ۱۶ از قانون ۶ ژانویه ۱۸۴۸ راجع به تشکیلات شهرداری در الجزایر می گوید: اتباع خارجه نمی توانند رئیس شهرداری معاون شهرداری و باقائم مقام ایشان واقع شوند گاهی نیز حق استفاده خارجی از حقوق مدنی در فرانسه تابع عهد قرار داده شده مثلاً ماده ۲۶ از

کند بحس تأدیبی از سه ماه تا یکسال و جزای نقدی از دوپست تا دو هزار ریال و یا به یکی از این دو مجازات محکوم میشود مگر اینکه جرم آنها مشمول قوانینی گردد که مجازات سخت تری برای آن معین شده باشد.

و راجع بهمین موضوع بموجب ماده ۷ قانون ۱۳۰۱ - ۲۱ نوامبر و ۳۰ دسامبر ۱۸۴۹ فرانسه وزیر داخله نمی تواند هر خارجی را که در فرانسه سکونت داشته باشد سرحد اعزام نموده و او را از خاک فرانسه اخراج کند.

هر خارجی که پس از خروج از فرانسه مجدداً بدون اجازه وارد خاک این کشور گردد بحس تأدیبی از یکماه تا شش ماه محکوم و پس از انقضای مدت حبس مجدداً سرحد اعزام خواهد گردید.

حکم خروج یک نفر تابع دولت است که حق تابعیت از او سلب و در خاک فرانسه زندگی میکرده از کشور نامبرده صادر میشود چون بحکم اطاعت نمی کند جزاء تعقیب و سه ماه حبس تأدیبی محکوم میشود که پس از انقضای مدت حبس از فرانسه خارج شود محکوم علیه پس از انقضای مدت

حبس سرحد اعزام میشود ولی پس از چند روز باز در خاک فرانسه دیده میشود مجدداً مورد تعقیب قرار گرفته بشود. ماه حبس تأدیبی محکوم میشود که پس از اتمام مجازات از کشور خارج گردد پس از انقضای مدت محکومیت به سرحد اعزام ولی باز از کشور بیرون نمی رود دفعه سوم جزاء تعقیب میشود شعبه ۱ دادگاه جنحه سن در ۱۶ نوامبر ۱۹۳۴ رسیدگی و چنین رأی میدهد: هر چند متهم بسبب عدم خروج از خاک فرانسه از قانون ورود و اقامت اتباع خارجه تخلف نموده ولی نظرباینکه از تحقیقات مسلم شده که از لحاظ نداشتن تابعیت و مسکن و موطن در های سرحدات بروی او کاملاً مسدود و بالتسبیح بترك خاک فرانسه قادر نیست و باین حال محکومیت های متوالی او بحسب جزاینکه مدت های مدید عمر خود را با خرج ملت فرانسه در زندان بگذراند نتیجه دیگری نخواهد داشت و نظر باینکه دستور دق ۳ از ماده ۸ قانون ۱۳ نوامبر در این مورد قابل اجرا نیست و مقرراتی برای این مورد بخصوص وضع نشده متهم باید رها شود.

وحدت

افکار فلسفی راجع به مجازات

و تأثیر آن در سیر تکاملی قوانین جزاء

طوری که میشود گفت پایه مجازات امروزه (تقریباً بر فاسفیه و منطق بنا شده ولی از آنجا که طبیعت حیوانی انسان تغییر نیافته و تغییر ناپذیر است غرائز و احساسات نیز مقام کوچکی جزء عوامل محرك مجازات برای خود حفظ کرده اند

افکار فلسفی راجع به مجازات

در زمان وضع قانون جزای فرانسه (۱۸۱۰ میلادی) علمای حقوق آن کشور از دو سنخ عقیده پیروی می کردند. عده طرفدار فکر (اخلاقی و موافق عدالت بودن مجازات) و عده دیگر پیرو (منظور داشتن نفع جامعه در مجازات) بودند و مجادلات زیادی بین آنان رویداد

تاریخچه مجازات در ایران و در سایر کشورها نشان میدهد که مجازات در قرن های پیش بر يك فلسفه و منطق معینی استوار نبوده حس انتقام گشی و غرائز طبیعی زورگترین محرك اعمال مجازات بوده است (البته حس عدالت در اجرای مجازات کاملاً مفقود نبوده مثلاً در قصاص عدالت اقتضاء میکرده که سدمه بدنی که بمجرم میرسانند از سدمه بدنی وارده به آسیب دیده تجاوز نکند بعلاوه حفاظت جسمانه بوسیله ارباب مردم در علنی کردن مجازات منظور می شده است) لیکن در قرون اخیره فلاسفه و علمای حقوق افکار برای بیان کردن علت و دلیل مجازات ابراز داشته اند که در سیر تکاملی قوانین جزاء تأثیر زیادی بخشیده است به